

باسمه تعالی

سرمایه های دنیای اسلام

امروز بیشترین منابع نفت که بی اغراق به منزله خون برای تمدن کنونی جهان است، در کشورهای اسلامی است. حساسترین مناطق سوق الجیشی عالم، در اختیار مسلمانان است. بخش عظیمی از منابع زیرزمینی که برای بنای امروز و فردای جهان مورد نیاز ضروری است، در این کشورهاست. یک پنجم همه جمعیت دنیا متعلق به آنان است. بزرگترین بازار مصرف مصنوعات کشورهایی که خود را بر مسلمانان تحمیل کرده اند، در دست آنان است. فرهنگ غنی و ریشه دار و علوم و معارف آنان، اولین گامهای عروج به اوج دانش کنونی جهان را به غریبها آموخته و حق حیات به گردن دانش و تمدن غرب دارند. (۷۶/۱/۲۱)

به وضع دنیای اسلام نگاه کنید!

به وضع دنیای اسلام نگاه کنید! ما سالها مساله فلسطین را به عنوان زخم عمیق پیکر اسلامی همواره به یاد خودمان می آوردیم، امروز عراق هم اضافه شده است! ببینید که قدرتمندان با تکیه به زور چه میکنند. همه حرفهای غیرمنطقی و غلط را با اتکا به زور و با اتکا به منطق سلاح و قدرت سیاسی و پولی به شکل حرف قابل دفاع و منطقی در دنیا مطرح و عمل میکنند. جرائمی را که در عرف همه ملت‌های جهان جنایت و جرم است، علنی انجام میدهند و گاهی برای ظاهرسازی نامی هم روی آن میگذارند، در حالی که میدانند کسی آن را قبول نمیکند؛ اما گاهی حتی اسم و نقابی هم روی آن نمیگذارند. دولت غاصب صهیونیست صریحا اعلام میکند که من زبندگان فلسطینی را ترور میکنم و دولت آمریکا هم رسماً و علناً از او حمایت میکند! این وضع نظام امروز جهانی است. (۸۳/۲/۱۸)

چرا دفاع نمی کنیم؟!

امت اسلامی تنها به این جرم که چون در یک نقطه ثروتمند دنیا قرار گرفته است؛ چون گردش چرخ تمدن کنونی دنیا متوقف بر امکاناتی است که در این نقطه از دنیا به وفور موجود است، مورد طمع و دست اندازی قدرتها قرار گرفته که در این راه هرگونه جنایتی را

برای خودشان مجاز می‌شمارند؛ این وضع امت اسلامی است! آیا امت اسلامی در مقابل این دست اندازی قدرتمندانه نمیتواند از خود دفاع کند؟ جواب این است که چرا، ما میتوانیم دفاع کنیم؛ ما ابزارهای زیادی را برای دفاع از حق و موجودیت خود در اختیار داریم. ما جمعیت بزرگی هستیم؛ ما ثروت عظیمی داریم؛ ما انسانهای برجسته و سرمایه معنوی داریم که به مردم ما قدرت ایستادگی در مقابل زورگویان را میدهد؛ ما فرهنگ و تمدن با سابقه ای داریم که در دنیا کم نظیر است؛ ما خیلی امکانات داریم، بنابراین بالقوه می توانیم دفاع کنیم. اما چرا دفاع نمیکنیم؟! چرا عملاً در میدان، کاری از ما بر نمی آید؟ چون با هم متحد و یکی نیستیم؛ چون به بهانه های گوناگون ما را از هم جدا کرده اند. لشکر منظم عظیم و مجهزی به نام امت اسلامی را به گروه هایی که هم و غمشان مقابله و مبارزه با هم، ترسیدن از هم و تعرض به هم و پنجه زدن به صورت یکدیگر است، تقسیم کرده اند. در این شرایط، معلوم است که این لشکر کارآیی نخواهد داشت. (۸۳/۲/۱۸)

چرا روز به روز ضعیف تر شدیم؟...

در آن دورانهای تلخ و سیاه، قدرتهای مسلط غربی، همه ابزارهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و نظامی را برای تضعیف کشورها و ملت‌های مسلمان به کار گرفتند و تفرقه و فقر و جهل را بر آنان تحمیل کردند. غفلت و تنبلی و ضعف نفس بسیاری از رجال سیاسی، و مسوولیت ناپذیری بسیاری از نخبگان فرهنگی ما به آنان کمک کرد و نتیجه، غارت ثروت‌های ما، تحقیر و حتی انکار هویت ما، و نابود شدن استقلال ما شد. ما ملت‌های مسلمان روز به روز ضعیفتر شدیم و چپاولگران زیاده خواه و سلطه طلب روز به روز قویتر. (۸۴/۱۰/۱۹)

مشکلات مجموعه عظیم امت اسلامی

اکنون به مشکلات بزرگ این مجموعه عظیم - یعنی امت اسلامی - نظر بیفکنیم؛ مشکلاتی که موجب شده است این واحد پر استعداد، نتواند از آن همه امکانات استثنایی و کارساز بهره برد و در نتیجه ملتها و کشورهای اسلامی از قافله دانش بشری عقب و از ثروت عظیم مادی خود بی بهره و در مسابقه بزرگ فرهنگی جهان، مقهور فرهنگ‌های بیگانه و در عرصه

سیاست بین المللی، تابع دیگران و از لحاظ نظامی غالباً در معرض تجاوز و سرکوب قدرتهای استکباری بوده باشد. این مشکلات که بیشتر بر اثر کوتاهی و غفلت یا بدکرداری و خیانت از درون امت اسلامی، پدید آمده است، فهرست طولانی را تشکیل میدهد که به عنوان ردیفهای اول آن می توان اینها را بر شمرد:

" اختلافات فرقه ای " که بیشتر به وسیله علمای سوء و نویسندگان مزدور ترویج و تشدید می شود.

- " اختلافات قومی و ملی " ناشی از ملی گرایی افراطی که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می شود.

- " تسلیم در برابر قدرتهای مداخله گر " که برخی کشورها را به اقمار قدرتهای بزرگ بدل ساخته است.

- " تسلیم در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه های سیاسی یا عقیدتی " - بی اعتقادی و بی اعتنائی برخی از دولتها به مردم خود و اراده و عقیده و نیازهای آنان، و خودکامگی در برابر آنان.

- مرعوب بودن بسیاری از شخصیتهای سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرتهای مسلط جهان و امروز مشخصاً از آمریکا.

- " حضور دولت غاصب صهیونیستی در قلب منطقه اسلامی " که خود عامل بسیاری از مشکلات دیگر است.

- " ترویج جدایی دین از سیاست " و معرفی اسلام به عنوان یک تجربه فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل حکومت، سیاست و اقتصاد و غیره ندارد.

اینها و دهها مشکل بزرگ و اساسی دیگر که غالباً با وجود ریشه های تاریخی، در صورتیکه رهبران سیاسی و دینی از خود اخلاص و همت و آزادگی نشان میدادند قابل علاج می بود، منشأ گرفتاریهای کنونی جهان اسلام شده و در پی خود، فقر و جهل و تبعیض و فرودستی سیاسی و عقب ماندگی و جنگ و ویرانی و خرافه و تعصب به ارمغان آورده است. (۷۵/۲/۴)

باید از آن تجربه ها درس بیاموزیم

تردید نباید کرد که دنیای استکبار، بیداری مسلمانان و اتحاد اسلامی و پیشرفت ملتهای ما در میدانهای دانش و سیاست و نوآوری را بزرگترین مانع سلطه و سیطره جهانی خود می‌شمارد و با همه توان با آن می‌ستیزد. تجربه دوران استعمار و نو استعماری پیش روی ما ملتهای مسلمان است. امروز که دوران استعمار فرا نوین است باید از آن تجربه ها درس بیاموزیم و بار دیگر برای مدت طولانی، دشمن را بر سرنوشت خود مسلط نکنیم. (۸۴/۱۰/۱۹)

چرا ضرورت اتحاد بین مسلمانان را نمی فهمیم؟!

امروز امت اسلام برای حیات، سربلندی و نجات خود و برای برافراشتن پرچم اسلام، به وحدت احتیاج دارد. کدام منطق است که در مقابل این مسائل بتواند مقاومت کند، تا اختلاف ایجاد شود؟ وحدت بر همه ضرورتها و اولویتهای ترجیح دارد و از آنها اولی تر و مقدمتر است. چرا ضرورت اتحاد بین مسلمانان را نمی فهمیم؟! بار سنگینی بر دوش ماست و این برهه، برهه حساسی است. اگر دشمنان بتوانند با اعمال قدرت این منطقه را تصرف کنند، دنیای اسلام باز هم مثل دوران استعمار صد سال دیگر عقب خواهد افتاد و صد سال دیگر فاصله امت اسلامی با دنیای مدرن و صنعتی بیشتر خواهد شد. ما باید جوابش را بدهیم؛ امروز ما مسؤول هستیم؛ امروز دولتها، نخبگان، زبندگان، رجال فرهنگی و دینی مسؤولند؛ همه ما در مقابل وحدت دنیای اسلام مسؤولیم. (۸۴/۲/۱۸)

آخرین تیر ترکش...

امروز اصرار استکبار در دنیای اسلام بر ایجاد تفرقه است. راههای دیگر را رفتند؛ اما ناکام ماندند. شما ملاحظه کنید آمریکا در دو سه تصرفی که در منطقه خاورمیانه کرد، در همه بی‌استثنا شکست خورد؛ نه در عراق، نه در لبنان، نه در افغانستان و نه در فلسطین، آن مقصودی که آمریکای مستکبر دنبال می‌کرد - آن هم با هزینه‌های بسیار سنگین و انبوه (پول، سلاح، نیروی انسانی و سیاست) - برای اینکه بتواند مقاصد خودش را در این چهار نقطه تحقق

بیخشد، نتوانست و در هر چهار نقطه ناکام ماند؛ به مقصودهایش نرسید و دارد سختیهای شکست را مزمز و احساس می‌کند. یک روزی - سه، چهار سال قبل - ما این حرفها را می‌زدیم، اما امروز خود آمریکاییها می‌گویند و خود سیاستمدارانشان هم این را تکرار می‌کنند. بنابراین از راههای دیگر دستشان بسته شده است. (۸۵/۱۰/۱۸)

وضعیت تاسف انگیز

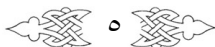
حقا وضع مسلمین از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی، تأسف انگیز است. بسیاری از تواناییهای با ارزش علمی و فکری مسلمین در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است. اشتباه نشود؛ اگر کسی برای اثبات مذهب خود تلاش علمی بکند، من آن را رد نمیکنم. هم شیعه، هم سنی، هم هر مؤمن به نحله ای، به عقیده ای و به طریقه ای، حق دارد طریقه خودش را اثبات کند. این چیز دیگری است؛ ما آن را رد نمی‌کنیم. (۷۰/۷/۱)

دامی که استکبار گسترده...

استکبار میخواست دولتها را با نظام جمهوری اسلامی دشمن کند. بعضی از دولتها هوشیارانه فهمیدند و نگذاشتند خواست استکبار عمل شود؛ اما بعضی از دولتها، بدون توجه در این دام استکباری غلتیدند. در سطوح ملتها هم مسأله اختلافات فرقه ای و اختلافات شیعه و سنی و اختلافات عقیدتی را مطرح کردند و افراد زیادی را واداشتند که با گرفتن مزد، علیه جمهوری اسلامی یا علیه تشیع یا علیه برخی از عقاید ملت مسلمان ایران، کتاب بنویسند و کتابهای زیادی نوشته شد؛ عده ای را هم وادار کردند با زبان خود آنها، که به این کتابها و به این اشکالها و دشنامها پاسخ دهند. متأسفانه هر دو طرف در این دام افتادند. عزیزان من! امروز در دنیای اسلام، مسأله این است. (۷۵/۰۵/۱۳)

به خودی حمله نکنید...

این جاست که مسأله اتحاد و وحدت اسلام و تفاهم اسلامی معنا پیدا می‌کند. ببینید این قضیه چقدر مهم است! ببینید این مسأله برای فردای دنیای اسلام، چقدر حائز اهمیت است! این قضیه ای نیست که به آسانی بشود از آن گذشت. همه باید خود را مخاطب این کلام



حساب کنند. من به همه می گویم؛ هم به اهل سنت، هم به شیعه، هم به کتاب نویسان، هم به شعرا، هم به مطبوعه چیها، هم به کسانی که در بین مردم پایگاهی دارند، حرفی میزنند و مستمعی دارند. همه باید این حقیقت را بفهمند و دشمن را بشناسند. مواظب باشید که دشمن در سنگر خودی جا نگیرد. مواظب باشید که شما به جای تهاجم به دشمن، به خودی حمله نکنید. عالم به زمان باشید؛ یعنی دشمن و دوست و عرصه مبارزه را بشناسید. اینها خیلی مهم است. همه مخاطب به این کلامند. شیعه و سنی ندارد. فرقی نمیکند؛ ایرانی و غیرایرانی ندارد. (۷۶/۵/۱)

دو سوراخ گزیده شدن!

افراد و مجموعه های بشری همواره از دو سو آسیب می بینند، اول از درون خود که منشا آن ضعفهای بشری و هوسهای مهار گسیخته و تردیدها و بی ایمانیها و خصلتهای منهدم کننده است. و دوم از دشمنان بیرونی که بر اثر طغیان و افزون طلبی و تجاوز و ددمنشی، محیط زندگی را بر انسانها و ملتها تنگ و فشار آلود میسازند و با جنگ و ظلم و تحمیل و زورگویی، بلای جان آنان میشوند. (۷۵/۲/۴)

نقطه قوت مورد غفلت قرار گرفته!!!

امت اسلامی از ملتها و نژادها و بیروان مذاهب گوناگون تشکیل یافته است. این تنوع که با پراکندگی جغرافیائی در بخش حساس و مهمی از کره زمین همراه است، میتواند خود نقطه قوتی برای این پیکره عظیم به شمار آید و میراث و فرهنگ و تاریخ مشترک آنان را در گستره ای پهناور، از کارآمدی بیشتر برخوردار سازد، و انواع استعدادها و قابلیتهای انسانی و طبیعی را در خدمت آن به کار گیرد. استعمار غربی از آغاز ورود به کشورهای اسلامی، همین نکته را مدنظر ساخته و یکسره به تحریک انگیزه های تفرقه افکن پرداخته است. سیاستمداران استعمارگر به خوبی میدانستند که اگر هویت یکپارچه جهان اسلام شکل بگیرد، راه بر سیطره سیاسی و اقتصادی آنان بسته خواهد شد. پس در تلاشی همه سویه و بلندمدت، به اختلافات در میان مسلمانان دامن زدند و زیر چتر این سیاست خبیثانه، از

غفلت توده‌های مردم و سست‌عنصری زمامداران سیاسی و فرهنگی، بهره‌برداری کردند و کار خود را در تسلط بر کشورهای اسلامی پیش بردند. (۸۵/۱۰/۸)

ما به خودمان می‌لرزیم...

ما دچار یک بیماری مهلکی هستیم که باید همت کنیم و این بیماری را از خودمان دفع کنیم. اختلافات بین دنیای اسلام و ناهماهنگی‌ها و دامن زدن به دشمنی‌ها، بیماری بسیار خطرناکی است. و من به شما عرض کنم که اگر در طول زمانهای گذشته این بیماری به طور طبیعی در جسم دنیای اسلام و امت اسلامی وجود داشت، امروز دستهای سیاسی به شدت به دنبال تشدید این بیماری هستند. ما نمونه‌های آنرا در دنیای اسلام داریم می‌بینیم، که انسان به خود می‌لرزد.

ما از دشمنهای بیرونی نمی‌ترسیم. هیبت آمریکا و قدرتهای استکباری تا حالا ما را دچار ترس و تردید نکرده؛ لشگرکشیهای خصمانه، تبلیغاتی و سیاسی و نظامی و اقتصادی ما را مطلقاً در موضع انفعال قرار نداده و قرار نخواهد داد؛ اما از این بیماری درون دنیای اسلام، ما به خودمان می‌لرزیم و می‌ترسیم. این را علاج کنید. (۸۵ / ۵ / ۳۰)

تمام تلاش استکبار...

در عین این که دولتها و قدرتها و اداره‌کنندگان جهان، برای مصالح دولتها و مسایل سیاسی خود، به سمت وحدت پیش می‌روند، تمام تلاشهای استکبار در جهت تضعیف ملتها و بخصوص ملت اسلام و ایجاد اختلاف بین اینها به کار می‌رود. شیعه و سنی که مسأله امروز نیست؛ قرن‌هاست که در اسلام، شیعه و سنی وجود دارد. در خود مذهب سنی، اشعری و معتزلی و مذاهب مختلف وجود دارد. در شیعه، شش امامی، دوازده امامی و اخباری و اصولی وجود دارد. همان دسته بندیهایی که در تسنن هست، همانها در تشیع هم وجود دارد. انواع و اقسام دسته بندیها و فرقه بندیها، یا بر اثر سوء سیاست و یا بر اثر سوء فهم و یا با دست مغرض و یا بر اثر جهالت به وجود آمده است. اینها که جدید نیست؛ اما شما ببینید که امروز در دنیای اسلام، علیه وحدت مسلمین چه قدر تلاش میشود. (۶۸/۱۰/۵)

قرآن تهدید می کند!...

قرآن ما را به وحدت توصیه کرده است. قرآن ما را تهدید کرده است که اگر اتحاد و همبستگی خودتان را از دست بدهید، آبرو و هویت و قدرت شما نابود خواهد شد. امروز متأسفانه در دنیای اسلام این نابسامانی ها مشاهده می شود. امروز توطئه علیه دنیای اسلام، توطئه بسیار سنگینی است. اگر در این دوران علیه اسلام توطئه های سازمان یافته با شدت بیشتری کار می کند، بیداری امت اسلامی است که دشمنان را به هراس انداخته است. استکبار جهانی، طمعکاران در کشورهای اسلامی، و مداخله جویان در میان دولتها و کشورهای اسلامی از وحدت امت اسلامی در هراسند. (۸۴/۲/۶)

فاجعه آمیزترین مانع سیادت اسلام

در زمان حال، برای این که مسلمین با هم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاشهای مضاعفی انجام می گیرد. این تلاشها بخصوص در وقتی تشدید پیدا کرده، که نیاز مسلمین به وحدت، بیش از همیشه است. به تصور خیلی نزدیک به واقعیت، انگیزه تلاشهای دشمنان این است که از تحقق آرزوی سیادت و حاکمیت اسلام - که امروز به مراحل عملی نزدیک می شود - جلوگیری کنند. طبیعی است که اگر اسلام بخواهد حاکمیت پیدا کند و مسلمین در دنیای اسلام بخواهند به اسلام تمسک کنند، با این اختلافات امکان پذیر نیست. فاجعه آمیزترین مانع در راه حاکمیت و سیادت اسلام این است که مسلمین را در درون جوامع اسلامی - چه در یک کشور، چه در کشورهای متعدد اسلامی؛ فرقی نمی کند - به جان هم بیندازند. (۷۰/۷/۱)

عاقلانه ترین راه...

وقتی همه مورد تهدیدند، عاقلانه ترین راه این است که همه به فکر بیفتند و دستها را در دست هم بگذارند. توصیه و مطالبه جدی ما از دولتها و ملتهای اسلامی این است که روی این مطلب فکر و کار کنیم، که زحمت و مقدماتی دارد؛ باید مقدماتش تأمین شود. (۸۳/۲/۱۸)

دارد دیر می شود...

مسئله اتحاد بین مسلمین یک امر جدی است. با این مسأله، باید این طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن چنان حساس است که در یک عمر اثر می گذارد. نباید بگذارید دیر شود. (۷۴/۵/۲۴)

انما المؤمنون اخوه

اسلام تأکید کرده است که برادران مسلمان باید با هم برادرانه رفتار کنند؛ نگفته است برادرانی که سنی اند یا شیعه اند یا فلان مذهب دیگر را دارند، بلکه گفته است که مسلمانان " انما المؤمنون اخوه " هستند. هر کسی به این کتاب، به این قرآن، به این دین و به این قبله اعتقاد دارد، مؤمن است؛ اینها با هم برادرند؛ اسلام این را به ما گفته است. اما ما خنجرها را پشت سر مخفی می کنیم برای زدن به سینه برادران! در همه بخشها هم مقصرینی هستند. جلوی اینها را باید گرفت و با اینها باید مقابله کرد. (۸۳/۲/۱۸)

چه بدانیم ، چه ندانیم، چه بفهمیم، چه نفهمیم...

امروز مسأله فلسطین، مسأله دنیای اسلام است. چه ما مسلمانان کشورهای اسلامی بدانیم و چه ندانیم، چه بفهمیم و چه نفهمیم، سرنوشت فلسطین، سرنوشت همه ماست. اگر فلسطین در این صحنه رویارویی شجاعانه ای که امروز برای خود به وجود آورده است، موفق شود، موفقیت همه دنیای اسلام است؛ اما هرچه رنج آن ملت ادامه پیدا کند، مایه ذلت روز افزون دنیای اسلام است. دنیای اسلام باید به معنای واقعی کلمه، این مسأله را مسأله خود بداند. درست است که همه ما وظیفه شرعی داریم و اسلام بر ما واجب کرده است به مردم فلسطین کمک کنیم؛ اما حرف من امروز فراتر از وظیفه شرعی است. می گویم امروز هر حادثه ای که در فلسطین رخ دهد و این قضیه به هر جا منتهی شود، به طور مستقیم به سرنوشت کشورهای اسلامی - چه آنهایی که نزدیکند و چه آنهایی که دورند - مربوط

است و بر آنها هم اثر می گذارد. امروز ملت‌های مسلمان برای فلسطین هر کار بکنند، برای خود و به نفع خود کرده اند. (۸۰/۲/۴)

محور وحدت عالم اسلام

آنچه که برای ما مسلمانها مهم است، این است که معرفت خود را نسبت به اسلام و پیغمبر گرامی اسلام، زیاد کنیم. امروز در دنیای اسلام یکی از دردهای بزرگ، درد تفرقه و جدایی است. محور وحدت عالم اسلام، می تواند وجود مقدس پیغمبر(ص) - نقطه اعتقاد همه؛ نقطه تمرکز عواطف همه انسانها - باشد. ما مسلمانها هیچ نقطه ای را به این روشنی و به این جامعیت - مثل وجود مقدس پیغمبر - نداریم؛ که هم مسلمانها به او معتقدند. هم علاوه بر اعتقاد، یک پیوند عاطفی و معنوی، دلها و احساسات مسلمانان را به آن وجود مقدس، متصل کرده است. این بهترین مرکز وحدت است. (۷۹/۳/۳۱)

وظیفه علما، روشنفکران، ...

علمای اسلام، روشنفکران مسلمان، نویسندگان، شعرا و هنرمندان در دنیای اسلام، امروز وظیفه دارند تا آن جایی که توان آنها اجازه می دهد شخصیت نبی اکرم(ص) و ابعاد عظمت این وجود بزرگ را برای مسلمانان و غیر مسلمانان ترسیم کنند. این امر به اتحاد امت اسلامی و به خیزشی که امروز در نسلهای جوان امت اسلام به سوی اسلام مشاهده می شود، کمک خواهد کرد. (۷۹/۳/۳۱)

این، خیانت نیست؟...

قرآن از زبان پیامبر اکرم به مسیحیان آن زمان می گوید: "تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئا". آن وقت فرقه‌های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبله واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلمات، چند موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند برای دشمنی! این، خیانت نیست؟ این، غرض‌ورزی غرض‌ورزان و غفلت غافلان نیست؟ هر کسی که در این زمینه تقصیری بکند، پیش خدای متعال مواخذ است؛ چه شیعه باشد، چه سنی. (۸۵/۵/۱۷)

یک مسأله عقلانی

این که امام بزرگوار توانست اسلام را عزیز کند، به برکت ایجاد احساس وحدت در بین مسلمین بود. مسلمان در اقصی نقاط عالم، به نام امام حرکت می کرد. فکر نمی کرد که "مذهب من چیست؟" "من سنی ام، او شیعه است" "او سنی است، من شیعه ام" ... این حالت برای دشمن، حالت مضرّی است. دشمن می خواهد این را بشکند. حال اگر دوست این را بشکند چه؟ اگر به جای قدرتهای استکباری، خود من و شما، با حرف زدنیان، با نوشتنیان، با گفتنیان، این وحدت را بشکنیم، شیعه را از سنی، سنی را از شیعه جدا کنیم، چه می شود؟ بعد که اینها از هم جدا شدند، نوبت می رسد به فرقه های سنی؛ این فرقه را از آن فرقه، اصحاب این اصول را از اصحاب آن اصول، اصحاب این فروع را از اصحاب آن فروع، بعد نوبت می رسد به شیعه؛ این فرقه را از آن فرقه، این دسته را از آن دسته! مگر بر کسی ابقا می کنند چرا ما باید به خواست دشمن حرکت کنیم؟ این که امام این قدر روی مسأله "وحدت" تکیه می کردند، برای این است که این، یک مسأله احساساتی نیست. این یک مسأله عقلانی است. هر کس به مقدّسات آن فرقه دیگر اهانت کند، اگر با خشونت و اهانت با فرقه دیگر برخورد کند، به هر اندازه که برد کار او باشد، به این وحدت ضربه زده است؛ هر که می خواهد باشد. (۷۲/۶/۱۴)

جنگ زرگری...

اگر امروز مطبوعات یک کشور شروع به حمله به یک مذهب از مذاهب اسلامی کنند و مطبوعات کشور دیگر نیز متقابلاً به مذهب آنها حمله نمایند - یعنی همین دعوای سیاسی را در قلمرو فکر مذهبی و دینی وارد کردن، و با پشتوانه فکر و تعصب دینی، گروهها را به جان هم انداختن - این بزرگترین مانع است برای این که مسلمین، به فکر سیادت اسلام جامه عمل بپوشانند و بتوانند آن را تحقق ببخشند. (۷۰/۷/۱)

باید جلوی اینها را بگیریم

البته یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، تلاش برای جلوگیری از نشر آثار تفرقه انگیز است

چه در محیط شیعی، چه در محیط سنی. الان برای ایجاد بغض و کینه، آثاری نوشته میشود و پولهایی خرج میشود. اگر بتوانیم، باید جلوی اینها را بگیریم. این گونه آثار، همه جا هم منتشر میشود. ما نمیگوییم که در ایران مطلقاً منتشر نمیشود؛ نخیر، در ایران هم متأسفانه مواردی مشاهده میشود. آثار کینه برانگیز و تفرقه انگیزی از طرفین منتشر میشود. یکی از موارد توجه این مجمع، باید همین مورد باشد. بحث مذهبی نکنند، کتابهای متعدد بنویسند، استدلال‌ات کلامی نکنند و فضایل مورد نظر خودشان را در کتابها بیاورند - این مقوله دیگری است - اما آثاری را که موجب تفرقه، کینه و تعمیق بغض است، منتشر نکنند؛ روی این نکته باید فکر بشود. ببینیم این مجمع واقعاً چگونه می تواند به شکل مناسبی بر این معنا اشراف و نظارتی پیدا کند. (۷۰/۷/۱)

نیاز دنیای اسلام...

امروز دنیای اسلام نیازمند این تقریب است. در این تقریب غرض این است که فرقه های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای بسا برخی از تصورات فرق نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوء تفاهمها برطرف و بعضی از عقاید تعدیل و بعضی از افکار به طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است؛ حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید بشود. این گفتگوها و مذاکرات، کمترین فایده اش این خواهد بود. بنابراین، باید از طرح مسائل تفرقه انگیز خودداری بشود. (۷۰/۷/۱)

یک هدف اعلا...

وظیفه علما، وظیفه سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند. می تواند این کار را هم بکند. هم دولتها باید کمک کنند، هم ملتها باید کمک کنند. (۸۵/۱۰/۲۵)

تقریب عملی

در نهایت و شاید مهمتر از همه نتایج تقریب، تقریب عملی است؛ یعنی همکاری مسلمین با یکدیگر، منهای احساس جدایی عقیدتی فرقه ای. اگر دشمنان بگذارند، و اگر ما عاقل باشیم، این امر بسیار ممکن و سهل التناولی است. (۷۰/۷/۱)

سم مهلك دنیای اسلام

سم مهلك دنیای اسلام تفرقه است. این تفرقه، ملتها را از هم جدا می کند؛ دلها را از هم جدا می کند. الان دشمن، و همین سرویسهای جاسوسی اسرائیل و آمریکا، در عراق یک عده ای را تحریک می کنند که با شیعیانی که در عراق اکثریت را دارند - حالا امروز اکثریت دولت متعلق به آنهاست - مقابله و مبارزه کنند؛ ناامنی ایجاد کنند؛ و این ناامنی را وسیله ای قرار می دهند برای این که پای خودشان را در عراق و در بغداد مستحکم کنند. آمریکا برای ماندن در عراق بهانه لازم دارد و این بهانه، ناامنی است. آنها برای این که دولت عراق نتواند به خدمات لازم پردازد، این اوضاع ناامن را در کشور به وجود می آورند، تا بهانه داشته باشند که بمانند. اختلافات را آنها به وجود می آورند: دل سنی را نسبت به شیعه، دل شیعه را نسبت به سنی آنچه چرکین می کنند که نتوانند با این همه مشترکات کنار هم قرار بگیرند. این، کار دشمن است. چرا ما این حقیقت را نمی فهمیم؟ (۸۵/۵/۱۷)

یکی از چماقهای دشمن!

مسأله شیعه و سنی یکی از ابزارهای مهم دشمنان برای زمین گیر کردن امت اسلامی است. هم سنی ها بدانند، هم شیعه ها بدانند؛ همه در ایران و در دنیای اسلام این را بدانند که اختلاف شیعه و سنی یکی از ابزارها و چماقهای دشمن علیه امت اسلامی است. آنها هر جور بتوانند، از این ابزار استفاده می کنند. آن روزی که سنی فلسطینی زیر فشار است، یک عده ای را با این شعار، با این تبلیغات که اینها سنی هستند، شما شیعه هستید؛ سعی می کنند نگذارند کمک کنند. امروز که شیعه لبنان زیر فشار است، به یک عده ای می گویند

شما سنی هستید، اینها شیعه هستند؛ به آنها کمک نکنید. آنها نه به شیعه احترامی می‌گذارند، نه به سنی؛ آنها با اصل اسلام طرفند. (۸۵/۵/۱۷)

سرانگشت دشمن!

هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامیشان بیگانه کند، یا به تفرق و پراکندگی بکشاند، یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی‌اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه می‌کند؛ و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است! (۷۷/۱/۱۲)

روحانی نما!!!

آن روحانی نمایی که در یک کشور دوردست، به عنوان خطبه جمعه یا غیر جمعه می‌ایستد و به جای این که به آمریکا و اسرائیل و دشمنان دنیای اسلام و کفر و استکبار حمله کند، به فرقه ای از فرق مسلمین حمله می‌کند؛ این کار ساده و بی‌مقدمه و بی‌ارتباط به حیات دوباره اسلام نیست. آن کسی که علناً و آشکارا، مقدّسات فرقه ای از فرق مسلمین را به باد اهانت می‌گیرد، این همان خواست استکبار است. امروز جدا کردن ملت‌های مسلمان از ملت ایران، یکی از هدف‌های مشخص و تعریف شده استکبار است. روی این برنامه ریزی و کار و سیاستگذاری می‌کنند و هم در سطح دنیا و هم - متأسفانه - داخل ایران پول خرج می‌کنند. (۷۵/۰۵/۱۳)

مردم در برابر مردم!!!!

در عراق هم دارند همین مسئله‌ی مردم در مقابل مردم را دنبال می‌کنند. واقعیت آنجا اشغالگرانی است که آمده‌اند و در همه‌ی امور - در دولت، در مجلس، در امور ریاست جمهوری، در امور نخست‌وزیری، در امور مالیه، در امور امنیت - دخالت‌های بیجا و بی‌مورد می‌کنند و از همه‌ی اینها بدتر و خطرناکتر، اینکه به حکم شواهد فراوان، تروریسم را در عراق ترویج می‌کنند. یعنی قصد دارند به اسم شیعه و سنی، مردم را در مقابل مردم قرار دهند. سنی را نسبت به شیعه به نحوی بدبین کنند، شیعه را هم نسبت به سنی به نحوی بدبین کنند. این را به خون او تشنه کنند، او را در صدد انتقام‌گیری از این تحریک بکنند؛ این سیاست آمریکاییها در

عراق است. امروز برادران عراقی ما بشدت به اتحادی احتیاج دارند که ناشی از درک این حقیقت باشد که دشمن می‌خواهد واقعیت مردم در مقابل اشغالگر را به مردم در مقابل مردم در عراق تبدیل کند. در کل منطقه هم همین‌طور است. این سیاست قدیمی اختلافات مذهبی و فرقه‌ای، امروز زنده شده است، که البته متخصص آن هم انگلیسها هستند. این کار را به آمریکاییها هم یاد دادند؛ اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی، به هر نحوی که بتوانند. همه باید متوجه باشند. (۸۵ / ۰۵ / ۳۰)

امروز میخواهند مردم را به جان هم بیندازند...

در عراق، شیعه و سنی قرن‌ها کنار هم زندگی کرده‌اند. چقدر فامیلهای شیعه و سنی با هم خویشاوند و قوم و خویشند. در طول این چند قرن گذشته، هیچ وقت اختلافی به این شکل مطرح نبوده است. زمان عثمانیها دولت و حکومت به شیعه زور میگفتند و اذیت میکردند، و زمان صدام و زمانهای دیگر هم کم و بیش همین‌طور بود؛ اما مردم شیعه و سنی با هم کاری نداشتند. امروز میخواهند مردم را به جان هم بیندازند. (۸۵ / ۰۷ / ۲۱)

باید با این کار مقابله کرد...

امروز انسان متأسفانه می‌بیند که حرفهای آمریکا و انگلیس از زبان بعضی از سیاستمداران دنیای اسلام تکرار می‌شود! همان چیزی که آنها می‌خواهند، اینها تکرار می‌کنند و به آتش اختلاف شیعه و سنی و اختلافات فرقه‌ای دنیای اسلام دامن می‌زنند. این، درست بر طبق آن چیزی است که دشمنان اسلام می‌خواهند. باید با این کار مقابله کرد. (۸۵ / ۰۵ / ۳۰)

سلاح مشت و احساسات

اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری است که هست و طبیعی است و مخصوص شیعه و سنی هم نیست. بین فرق شیعه، خودشان؛ بین فرق سنی، خودشان؛ در طول زمان از این اختلافات وجود داشته است. تاریخ را نگاه کنید، می‌بینید هم بین فرق فقهی و اصولی اهل تسنن - مثل اشاعره و معتزله، مثل حنابله و احناف و شافعیه و اینها - هم بین فرق مختلف شیعه، بین خودشان، اختلافاتی وجود داشته است. این اختلافات وقتی به

سطوح پایین -مردم عامی- می‌رسد، به جاهای تند و خطرناکی هم می‌رسد؛ دست به گریبان می‌شوند. علما می‌نشینند با هم حرف می‌زنند و بحث می‌کنند؛ لیکن وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح احساسات و مشت و سلاح مادی استفاده می‌کنند که این خطرناک است. در دنیا این همیشه بوده؛ همیشه هم مؤمنین و خیرخواهان سعی می‌کردند که مانع بشوند؛ علما و زبندگان، تلاششان این بوده است که نگذارند سطوح غیرعلمی کارشان به درگیری برسد؛ لیکن از یک دوره‌ای به این طرف، یک عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن "استعمار" بود. نمی‌خواهیم بگوییم اختلاف شیعه و سنی همیشه مربوط به استعمار بوده؛ نه، احساسات خودشان هم دخیل بوده؛ بعضی از جهالتها، بعضی از تعصبها، بعضی از احساسات، بعضی از کج‌فهمیها دخالت داشته؛ لیکن وقتی استعمار وارد شد، از این سلاح حداکثر استفاده را کرد. (۸۵/۱۰/۲۵)

گروه‌های جاهل نادان

ما بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم. آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می‌دانند، خارج می‌کنند، تکفیر می‌کنند این گروه‌های تکفیری نادان - حقیقتاً مناسب‌ترین صفت برای اینها نادانی است - اگرچه در آنها خباثت هم هست، اما جهالت مهمترین خصوصیت اینهاست. (۸۵/۱۰/۲۵)

از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟

در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می‌خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خونها در هم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد. (۱۳۷۵/۵/۱۳)

تفرقه دولتهای اسلامی

پدیده دوم که از این هم بدتر است، تفرقه دولتهای اسلامی است. شما ببینید قریب یک ماه است که دشمنان اسلام این طور جنایتکارانه به یک جمع مسلمان حمله می کنند - یک جنگ معمولی هم نیست؛ جنگی است سرشار و لبریز از جنایتهای جنگی، کشتار مردم بی دفاع، استفاده از سلاحهای ممنوع و غیرقانونی - اما دولتهای اسلامی، بخصوص برخی از دولتهای عرب، دست روی دست گذاشته اند، دارند نگاه می کنند! این اشتباه، بسیار خسارت بار است. (۸۵/۵/۱۷)

انقلاب شیعی یا اسلامی؟

البته بعد از پیروزی انقلاب، اختلاف افکنی شدت پیدا کرده است؛ چون از انقلاب اسلامی و حیات مجدد اسلام می ترسند. اسلام قوی است. قوت و معنویت اسلام آن چنان است که اگر به شرایطش عمل بشود و واقعاً اسلام پیاده گردد، قدرتهای دنیا و تختها را می لرزاند. آنها از این می ترسند و به همین خاطر نمی خواهند بگذارند قوت و معنویت اسلام زنده بشود. یکی از طرق مبارزه با این پدیده یی که برای آنها به شدت ترسناک می باشد، همین است که این جا را از بقیه مسلمانان غیر شیعی دنیا ایزوله کنند و انقلاب ما را به عنوان یک انقلاب شیعی وانمود نمایند و دعوای بین شیعه و سنی را هم تقویت کنند تا نتیجه این بشود که مسلمانان دنیا که امروز به نام ما شعار می دهند، آن را متوقف کنند. (۶۸/۱۰/۵)

معنای اتحاد

معنای اتحاد بین ملتتهای اسلامی، این است که در مسائل مربوطه به جهان اسلام، همسو حرکت کنند، به یکدیگر کمک نمایند و در داخل این ملتها، سرمایه های خودشان را علیه یکدیگر به کار نبرند. (۷۴/۵/۲۴)

با نفی مشکلی حل نمی شود!

وحدت اسلامی هم معنایش معلوم است. مقصود این نیست که مذاهب، در یک مذهب حل شوند. بعضی کسان برای این که اتحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می کنند. نفی مذاهب، مشکلی را حل نمی کند؛ اثبات مذاهب، مشکلات را حل می کند. همین

مذاهبی که هستند، هر کدام در منطقه کار خودشان، امور معمولی خودشان را انجام دهند؛ اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند. (۷۶/۵/۱)

وحدت تحقق پیدا می کند اگر... .

سالها پیش از انقلاب که با بعضی از برادران اهل سنت صحبت می کردم، به آنها می گفتم که اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته جدا و قیچی کنیم. البته، وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه این که شیعه، سنی و سنی، شیعه بشود. نه، مراد از وحدت این نیست؛ بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلاً او هم به همین ترتیب عمل نماید. من می گفتم که اگر بخواهیم این کار را بکنیم، باید خودمان را از گذشته جدا کنیم. اگر به گذشته برگردیم، دعواست. این قدر بحث و تکذیب و تغلیط و درگیری و خونریزی و این طور چیزها اتفاق افتاده که اگر نگاهی به گذشته بکنیم، باز دعوا خواهد شد. اگر کسی مخلصاً الله احساس میکند که باید امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد، باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد. (۶۸/۱۰/۵)

مراد ما از وحدت اسلامی...

مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: "ولانتنازعوا فتفشلوا". تنازع نباشد، اختلاف نباشد. (۸۵/۰۵/۳۰)

خواست دشمن...

یک نکته که در کنار این لازم است پیروان اهل بیت و نیز همه مسلمانان در نظر داشته

باشند، این است که ما از حادثه و واقعه غدیر - که نشانه‌ی عظمت اسلام و جامعیت اسلام است - به عنوان وسیله‌ای برای تضعیف اسلام استفاده نکنیم. این را من بالخصوص امروز و این روزها موظفم و مقیدم که به همه ملت عزیزمان و همه‌ی مسلمانها در هر نقطه دنیا عرض بکنم که مراقب باشند امروز برای تضعیف اسلام، دشمنان به دنبال همین نقطه خاص، همین چیزی که منشأ عظمت اسلام است، هستند؛ یعنی مسئله‌ی شیعه و سنی، قبول غدیر و انکار غدیر. دشمن می‌خواهد مسئله غدیر را یک مایه برادرکشی و جنگ و خونریزی قرار بدهد؛ در حالیکه غدیر می‌تواند وسیله ائتلاف و برادری مسلمانها با هم باشد. (۸۵/۱۰/۱۸)

نیازی به اختلاف و درگیری نیست...

این معنا مسلم است که قضیه غدیر هیچ گونه جنگ و دعوای بین پذیرنده و نپذیرنده به وجود نمی‌آورد و اختلافات را ایجاد نمی‌کند. برای شیعیان هم همین طور است. شیعیان هم خدا را شکر کنند که از طرف پروردگار به نعمت این اعتقاد و معرفت متنعم شدند. آن برادرهایی هم که این حقیقت را قبول نکردند، یا مراجعه نکردند، یا اطلاع ندارند و یا نتوانستند ذهنهایشان را قانع کنند، آنها هم اعتقادی ندارند. این، اختلاف و درگیری را ایجاد نمی‌کند. (۸۵/۱۰/۱۸)

ما باید بیدار باشیم؛ هم شیعه، هم سنی

ما باید بیدار باشیم؛ هم شیعه، هم سنی باید بیدار باشند؛ بخصوص علما. مردم دور از محیط علمایی، ممکن است دچار توهمات بشوند، دچار اشتباهاتی بشوند؛ اما علما نمی‌توانند در این قضیه بی تفاوت بمانند؛ بگویند خوب، اینها عوامند، ما که نمی‌کنیم؛ نه، علما بایستی خود را مسئول بدانند و تلاش کنند. امروز بیداری اسلامی شروع شده، عزت اسلامی آشکار شده، هزیمت دشمن در میدانهای مختلف روزبه‌روز بیشتر آشکار شده است. استکبار در فلسطین شکست خورد، در لبنان شکست خورد، در عراق شکست خورد، در افغانستان شکست خورد؛ و در هیچ کدام از اینها به مقاصد و اهداف خودش نرسید. (۸۵/۱۰/۲۵)

تمسک به عروهی و ثقای الهی امکانپذیر نیست مگر... .

در بسیاری از بخشهای امت اسلامی ایمان بالله هست؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروهی و ثقای الهی امکانپذیر نیست. ما کشورها و دولتها و ملتها را به این که به جنگ با آمریکا بشتابند، دعوت نمی‌کنیم؛ ما دعوت می‌کنیم که تسلیم آمریکا نشوند. ما دعوت می‌کنیم که با دشمن اسلام و مسلمین همکاری نکنند. یکی از اقسام همکاری نکردن همین است که به وسوسه‌های آنها در زمینه‌ی وحدت امت اسلامی اعتنا نکنند و امت اسلامی را با اتحاد خودش حفظ کنند. (۸۵/۵/۳۰)

منشور وحدت

بیاید وحدت اسلامی را عملی کنید و منشوری را که همه‌ی علمای اسلام، همه‌ی روشنفکران دنیای اسلام، همه‌ی برجستگان سیاسی با اخلاص دنیای اسلام آن را تأیید و تصدیق کنند و برای عملی کردن آن تلاش کنند، تهیه کنید، تا دیگر مسلمانی جرئت نکند متکلم به کلمه‌ی توحید را که در یک مذهب یا در یک جناح دیگر است، تکفیر کند؛ تا برادران با هم باشند. (۸۵/۵/۳۰)

نه‌ها می‌کنیم نه‌دعوا

جامعه شیعه باید با متانت راه خودش را ادامه دهد. ما " الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه امیر المؤمنین " را رها نمی‌کنیم؛ ما تمسک به ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) - که نعمت بزرگ خداست - را محکم نگه می‌داریم؛ اما با کسی که به این حبل متین تمسک نکرده است، دعوا هم نمی‌کنیم. این وظیفه جامعه‌ی تشیع است. آنچه که دشمن می‌خواهد، این است که با هم اختلاف کنیم. (۸۵/۱۰/۱۸)

وظیفه جامعه‌ی تسنن...

وظیفه جامعه تسنن هم همین‌طور است. برادران اهل تسنن هم بدانند که نقشه دشمن، ایجاد اختلاف است، ایجاد تعصب است، برادرکشی است؛ به کمتر از برادرکشی هم راضی نمی‌شوند. ببینید الان در بغداد و شهرهای مختلف عراق چه می‌کنند! مسجد شیعه، مسجد

برائا، حرم مطهر امامین عسگریین، مسجد کوفه، هر جا دستشان برسد، هر جا یک جمعی که فکر می‌کنند آنها شیعه‌اند، آنجا انفجارات درست میکنند و انسانهای بی‌گناهی را به قتل میرسانند. این را دشمن میخواهد. دشمن دارد آنها را تغذیه مالی می‌کند؛ سرویسهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل پشت سر این گروههای افراطی و تکفیری هستند ولو عوامل و پیاده نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست؛ اما روسایشان می‌دانند. این را آمریکا می‌خواهد. لذا آنها هم بایستی بیدار و متوجه باشند. (۸۵/۱۰/۱۸)

حج باید آئینه اتحاد باشد

یکی دیگر از شرایط، همین "مسئله‌ی اتحاد مسلمین" است. حج باید آئینه اتحاد باشد، نه آئینه اختلاف. اگر قرار باشد ما همه یک‌جا جمع بشویم تا در آنجا یکی به یکی بگویید تو بدی، آن دیگری بگوید تو بدتری؛ این چه جمع شدنی است! اگر اختلافی هم وجود دارد، جای بروز آنجایی نیست که خدای متعال فرموده است: جمع بشوید تا "لیشهدوا منافع لهم" که منافع خودشان را در آنجا به دست بیاورند. بعضیها - حالا نگاه خوش‌بینانه همین است که بگوییم کج‌سلیفگی است، والا اگر به چشم بدبینانه نگاه کنیم، حرفهای دیگر هم می‌شود زد - حج را جایی قرار میدهند برای دندان نشان دادن و لج کردن و چهره در هم کردن نسبت به اختلافات فرقه‌ای و طائفی؛ شیعه و سنی را آنجا مقابل هم قرار دادن. چقدر باید به ما بگویند تا باور کنیم که امروز بیش از گذشته اختلافات شیعه و سنی یکی از محورهای اساسی است که دشمنان اسلام دارند رویش سرمایه‌گذاری میکنند. حاضرند پولهای کلان خرج کنند که شیعه را علیه سنی و سنی را علیه شیعه تحریک کنند. یک عده بی‌عقلهایی هم هستند که بدون اینکه از این پولهای کلان هم بگیرند، برای استکبار همین هدف را مفت و مجانی تأمین می‌کنند. خوب چرا؟ این خطایی است که معلوم نیست خدای متعال از آن بگذرد. (۸۵/۹/۱)

این لج کردن با خدا نیست!؟

خدای متعال همه مسلمانها را در یک مرکز واحدی جمع کند که واضحترین منافع آن،

احساس اجتماع، احساس اتحاد و احساس یگانگی است؛ آن وقت در این مجمعی که برای احساس بیگانگی به وجود آمده، ما بنا کنیم در این گوشه و آن گوشه، به سر و کله هم زدن و اختلاف را تشدید کردن! این لج کردن با خدا نیست؟! ما - نه فقط تحلیلاً، از روی اطلاع عرض می‌کنم - می‌دانیم که در خود آن مراکز، دستهای استعمار کسانی را گماشته‌اند تا اینکه این اختلافات را تشدید کنند؛ یعنی آنجا افراد مأموری هستند که اصلاً مأموریتشان همین است که یک بهانه کوچکی از یک شیعه‌ای پیدا کنند، جنجال راه بیندازند، تکثیر کنند، فحش بدهند، اهانت کنند و دعوا راه بیندازند. اگر هم خبر نداشتیم، تحلیل هم این را نشان می‌داد؛ دلیلی نداشت که دشمنان وحدت اسلامی از این فرصت و امکان عظیم حج برای این مقصود استفاده نکنند؛ خبر هم داریم که چرا، افرادی را هم برای این کار اجیر می‌کنند. مراقب باشید در این دام نیفتید. ایرانی چه شیعه‌اش و چه سنی‌اش، مراقب باشد در این دام نیفتد. (۸۵/۹/۱)

حقوق همشهری گری

ما وقتی که می‌خواهیم یک ایرانی را - به عنوان یک ایرانی - به حقوق حقه خودش برسانیم، از او سؤال نمی‌کنیم که مذهب و یا حتی دین تو چیست؛ نه، موطن ماست و از حقوق همشهری گری با ما دارد استفاده میکند و در این مملکت زندگی میکند؛ چیزی باید بپردازد، کاری باید بکند و حقوقی هم دارد؛ حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ دارد. (۷۰/۷/۲۵)

تمسک به حبل‌الله چگونه است؟

قرآن می‌فرماید: "واعتصموا بحبل‌الله جمیعاً ولا تفرقوا" اعتصام به حبل‌الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی‌کند به این که ما را به اعتصام به حبل‌الله امر کند، بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل‌الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ "جمیعاً"؛ همه با هم اعتصام کنید. و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر این که مسلمان باید معتصم به حبل‌الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمانها و

همدست با آنها انجام دهد. ما این اعتصام را درست بشناسیم و آن را انجام دهیم. آیه شریفه قرآن می‌فرماید: "فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى". این، اعتصام به حبل الله را برای ما معنا می‌کند. تمسک به حبل الله چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت. (۸۵ / ۵ / ۳۰)

یک فرصت عظیم

اگر زمانی لازم باشد از اجتماع حج استفاده ای بشود که دنیای اسلام به تمام معنا نیازمند آن باشد، آن زمان حالاست. هیچ وقت مسلمانان مثل امروز احتیاج به اجتماع کردن و تماس گرفتن با همدیگر و ارتباط پیدا کردن با هم نداشته اند. مدتها بود که مسلمانان خواب بودند، غافل بودند؛ نوری نبود، برقی نبود، بیدار نبودند. نه این که گرفتاری نداشتند؛ گرفتاری بود، اما نه آن قدر که مایه تنبه و بیداری شود و آن گرفتاریها را درک کنند و دنبال علاج باشند. آن دوره، که دوران رکود بود گذشت؛ درحالیکه اجتماع حج برایشان فایده ای نداشت. یک عده آدم خواب، ملتهای در خواب غفلت نگه داشته شده و غافل از وضعیت خود، به فکر این بودند که گلیمشان را از آب حج بیرون بکشند و واجبشان را انجام بدهند و بروند. یک مدت، چنین بود. امروز هم مسلمانان به خاطر گرفتاریهایی که برای آنها در همه جای دنیا به وجود آورده اند، نهایت احتیاج را به همفکری و همکاری دارند. این همکاری و همفکری، امروز ممکن است؛ لکن در گذشته، ممکن نمیشد. لذا، این فرصت، یک فرصت استثنایی است و باید از آن استفاده کرد. (۷۲/۲/۸)

رفتار منظم، رفتار صحیح، رفتار مسلمانانه

من به برادران عزیز - چه شما مسؤولین محترم و چه آحاد حجاج ایرانی - توصیه میکنم: سعی کنند این پیام را، که پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت است، قولاً و عملاً نشان دهند. رفتار منظم، رفتار صحیح، رفتار مسلمانانه، رفتار حاکی از عبودیت خدا و رفتار همراه با نظم. این طور نباشد که در اعمال حج، بر اثر یک اختلاف فتوای کوچک و کم اهمیت،

برادران از هم جدا شوند و هر کس به گونه ای عمل کند. این جا باید همه چیز حاکی از وحدت و اتحاد باشد. (۷۱/۲/۱۶)

گناه تاریخی...

امروز هر حرکت تفرقه‌انگیز در دنیای اسلام، گناهی تاریخی است. آنان که عنودانه گروه‌های عظیمی از مسلمین را به بهانه‌های واهی تکفیر میکنند؛ آنان که با گمانهای باطل، به مقدسات فرقه‌هایی از مسلمین اهانت میکنند؛ آنان که به جوانهای از جان گذشته لبنان که مایه‌ی سربلندی امت اسلامی شدند، از پشت خنجر میزنند؛ آنان که برای خوشامد امریکا و صهیونیستها از خطر موهومی بنام هلال شیعی سخن میگویند؛ آنان که برای شکست دولت مسلمان و مردمی در عراق ناامنی و برادرکشی را دامن میزنند؛ آنان که دولت حماس را که محبوب و منتخب ملت فلسطین است از هر سو زیر فشار قرار میدهند... چه بدانند و چه ندانند مجرمانی به شمار می‌روند که تاریخ اسلام و نسلهای آینده از آنان با نفرت یاد خواهند کرد و آنان را مزدوران دشمن غدار خواهد دانست. (۸۵/۱۰/۸)